

تعاون در اثم و عدوان

حسن حسنی



«اِثم» در لغت به معنای گناه، بزه و ذنب و «عدوان» به معنای ظلم، ستم، بدخواهی و بی‌عدالتی است. قرآن مجید تعاون در اثم و عدوان را نهی و تعاون در برّ و تقوای را مقرر می‌کند و می‌فرماید «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده: ۲). «المیزان» در خصوص این آیه شریفه می‌نویسد: «معنی آیه واضح است و این دستور اساس سنت و رویه اسلامی است و خداوند در کلام خود «برّ» را به ایمان و احسان در عبادات و معاملات تفسیر فرموده است. «تقوی» عبارت از مراقبت امر و نهی خداست و بنابراین برگشت معنی تعاون بر «برّ» و تقوی» به اجتماع بر ایمان و عمل صالح بر اساس تقوی و پرهیزکاری از خداست و این صلاح و تقوی اجتماعی است. مقابل آن همکاری بر «اِثم» یعنی عمل بد است که باعث عقب افتادگی در کارهای یک زندگی سعادت‌مند می‌گردد و همچنین تعاون و همکاری بر «عدوان» یعنی تعدی به «حقوق حقه مردم و سلب امان از نفوس و أعراض و اموالشان» (جلد ۵، صفحه ۲۵۳).

تعاون در ارتکاب جرم یا همکاری مجرمانه Collaboration Criminelle متضمن این امر است که جرم با مشارکت دو یا چند نفر وقوع یابد. در این حالت با در نظر گرفتن نقشی که هر کدام از شرکت‌کنندگان می‌تواند در ارتکاب جرم داشته باشد آنها را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: - افرادی که عوامل اصلی هستند، - افرادی که از عوامل فرعی محسوب می‌شوند. این تقسیم‌بندی از آنجا ناشی می‌شود که وقتی عاملان جرم متعدد باشند بسا که نحوه مداخله و اقدامات آنها در وقوع جرم هم شکل و یکسان نباشد و نیز برخی از آنها در عملیات مجرمانه مستقیماً مباشرت نداشته و فقط به انجام امور فرعی و مقدماتی، از قبیل تهیه وسایل ارتکاب جرم، مبادرت کرده باشند، اموری که بخودی خود و فی‌نفسه مصداق جرم واقع نشوند و قابل تعقیب و مجازات نباشند. این افراد را معاونان جرم و افرادی را که مباشرتاً به ارتکاب جرم مبادرت می‌کنند مجرمان اصلی می‌نامند.

بطور کلی باید گفت که وصف بزهکارانه اعمالی که معاونان انجام می‌دهند ناشی از ذات آن اعمال نیست بلکه ناشی از رابطه‌ای است که بین اعمال مزبور و اعمال مجرمانه مجرمان اصلی وجود دارد. به عبارت دیگر معاونان از این جهت قابل تعقیب و مجازات می‌شوند که امور انجام شده بوسیله آنها مقدمه عملیاتی قرار می‌گیرد که ممنوعیت قانونی دارد و جرائم معینی را تشکیل می‌دهد. از اینجاست که گفته می‌شود معاونان جرم از مجرمان اصلی استعاره مجرمیت می‌کنند.

بد نیست اشاره شود که تعاون و همکاری و اشتراک مساعی به همان اندازه که سازندگی و پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی را سهولت می‌بخشد می‌تواند در اختلال و آشفتگی امور موثر باشد و در ناامنی و بی‌نظمی جامعه با سرعت و موفقیت بیشتری عمل کند. تبادل افکار و همکاری بزهکاران می‌تواند آنها را برای جامعه خطرناک کرده، بر توانائی آنها در ارتکاب اعمال بزهکارانه بیافزاید و از طرف دیگر مقامات انتظامی و مراجع قضائی را در تفتیش و پی‌گیری و دستگیری بزهکاران با مشکلاتی روبرو سازد. در جرمی که در تحقق آن بیش از یک نفر مداخله دارد عاملان آن را می‌توان در جدولی به شرح زیر ترسیم کرد:

عاملان جرم				
حداقل تعداد کل	فرعی		اصلی	
	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
دو نفر	معاون جرم	یک نفر	مجرم اصلی	یک نفر
سه نفر	معاونان جرم	دو نفر یا بیشتر	مجرم اصلی	یک نفر
دو نفر	—	—	شرکای جرم	دو نفر یا بیشتر
سه نفر	معاون جرم	یک نفر	شرکای جرم	دو نفر یا بیشتر
چهار نفر	معاونان جرم	دو نفر یا بیشتر	شرکای جرم	دو نفر یا بیشتر

قبل از بحث در باره صور مختلف مشارکت و تعاون در ارتکاب جرم لازم است من باب یادآوری گفته شود که طبق قانون: - فقط فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود. - مجرم باید (علاوه بر تحمل مجازات) مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش مسترد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. - مجازاتها بر پنج قسم اند: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات، و مجازاتهای بازدارنده. - دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تنمیه آن مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور کند!

مشارکت در جرم به صورت مباشرت Participation Criminelle

وقتی که جرم با مشارکت و مباشرت دو نفر یا بیشتر انجام می یابد افرادی را که به این ترتیب مرتکب جرم می شوند شرکای جرم و هریک از آنها را شریک جرم می نامند. به بیان دیگر شرکای جرم عبارتند از کلیه اشخاصی که در انجام فعل مجرمانه مشارکت می کنند مشارکت آنها به نحوی است که اگر عمل هرکدام را مورد بررسی قرار دهیم از عوامل اصلی جرم محسوب می شود. (در مقابل، کسانی که مشارکت آنها در ارتکاب جرم به صورت معاونت است هرچند در تحقق جرم همکاری دارند ولی چون شخصاً مباشر جرم نیستند در زمره عاملان فرعی قرار می گیرند).

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ در باره شرکای جرم چنین مقرر می دارد: «ماده ۴۲: - هرکس عالماً عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای

بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثرکار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، هریک شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرائم غیر عمدی که ناشی از خطای دونفر یا بیشتر باشد مجازات هریک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود»، تبصره: «اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب عمل او تخفیف می‌دهد».

همانطور که ملاحظه می‌شود مفاد ماده و تبصره مزبور مربوط است به جرائم عمدی یا غیر عمدی که مجازات آنها تعزیری یا بازدارنده باشد پس شرکای جرمی که مجازات آن حد یا قصاص یا دیه باشد تابع آن نخواهند بود. طبق ماده در جرائم عمدی علم و عمد در مشارکت و در جرائم غیر عمدی ناشی بودن جرم از خطای شرکت کننده، از لوازم تحقق شریک جرم بودن است. مستند بودن جرم به عمل مشارکت کنندگان کافی برای تحقق مشارکت است. مساوی یا متفاوت بودن میزان اثر عمل آنها موثر در مقام نیست. مگر این که مداخله شرکت کننده هیچ اثری در ارتکاب و تحقق جرم نداشته باشد که در این صورت وی در عداد شرکای آن نخواهد بود. مانند این که فردی با چند نفر در مشارکت در انجام یک سرقت موافقت کند و قرار بر این باشد که هریک از آنها در اوقات مختلف وارد محل مورد نظر شوند ولی وی به جای آن محل وارد محلی دیگر شود و از آنجا مالی را سرقت کند. شخص اخیر مرتکب سرقت شده لیکن در صورت انجام سرقت مورد نظر چون عمل او بهیچوجه اثری در تحقق آن نداشته از شرکای جرم آن محسوب نخواهد شد.

همانطور که ملاحظه شد بیان قانون در خصوص عدم تأثیر متفاوت بودن اثر عمل شرکت کنندگان مربوط به شرکای جرائم عمدی است ولی می‌توان به تنقیح مناط آن را، به جرائم غیر عمدی نیز تسری داد و گفت که اثر خطای مشارکت کنندگان در جرائم خطائی خواه مساوی باشد خواه متفاوت، تأثیری در مقام ندارد و آنها را از عداد شرکای جرم خارج نمی‌کند. لیکن در هر حال منطقی، همانطور که مقررات مزبور تصریح می‌کند، شدت و ضعف اثر مداخله در تعیین مجازات موثر خواهد بود و لذا هرگاه عمل احد یا برخی از شرکاء در تحقق جرم اثر کمتری داشته باشد دادگاه با ملحوظ داشتن آن، مجازات مربوط را تخفیف خواهد داد.

همانطور که یادآوری شد مقررات مزبور به شرکای جرائم قابل تعزیر و مجازاتهای بازدارنده مربوط است ولی مشارکت به صورت مباشرت محدود به آنها نیست و در جرائم قصاص نیز متحقق می‌گردد. در این باره باید به مواد ۲۱۵ و ۲۱۴ قانون مارالذکر مراجعه کرد که چنین است: «شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته

شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت. «- هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی آنها باشد همه آنها قاتل محسوب می‌شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود.»

اجتماع و دسته‌بندی تبهکاران Association De Malfaiteurs

یکی از مصادیق خطرناک تعاون در اثم و عدوان اجتماع و تشکل افراد برای ارتکاب جرائم است. این قبیل اجتماعات که معمولاً تحت رهبری یکی از افراد تشکیل می‌شود و آنان طبق نقشه و با استفاده از وسایل و ابزار وارد عمل می‌شوند به لحاظ خطر بیشتری که از طرف آنها می‌تواند علیه نظم و امنیت ایجاد شود مورد مقابله قانون‌گذار قرار گرفته است و در مواردی حتی صرف تشکیل این قبیل اجتماعات یا عضویت در آنها جرم تلقی شده و برای آن مقررات کیفری وضع گردیده و بدین ترتیب مواضع و تبانی افراد در خصوص ارتکاب جرم، مشمول تعقیب و کیفر قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان من باب مثال به چند مورد اشاره کرد: - هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر بنحو قهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس از دو تا چهار سال است.^۱ - کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت کنند علاوه بر ضبط و استرداد کلیه اموال منقول و غیرمنقول که از طرق مزبور بدست آورده‌اند به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.^۲ - هرگاه ثابت شود که گروهی در خفا برای برهم زدن امنیت کشور دسته‌بندی و سازماندهی نموده و تصمیم گرفته‌اند ولی قصد براندازی نداشته باشند به حبس از یکسال تا ده سال محکوم خواهند شد.^۳ - هرگروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و بنحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.^۴

بزه کاری در حال ازدحام Criminalite De Foule

در ارتکاب جرائمی که در حال ازدحام صورت می‌گیرد همکاری مجرمانه را اگر ناشی از هیجان آنی باشد و بفتناً در اثر دنباله روی علی العمیاء از جمع و جماعت حادث شود نباید با همکاری تبهکارانی که با یکدیگر به مواضعه و تبانی پرداخته و با تشکیل گروه و دسته‌بندی به اقدامات مجرمانه دست زده‌اند یکسان یا مترادف تلقی کرد و مسوولیت کلیه افراد را در آن مشمول همان مقررات حاکم بر اجتماع و تشکل تبهکاران قرار داد. بدیهی است که در تعیین مجازاتهای مربوط به جرائم ارتکاب یافته در حال ازدحام، لازم است که حساب رهبران آشوب و فتنه که در افروختن شعله‌های طغیان و عصیانگری نقش داشته‌اند با حساب افرادی که تحت تأثیر قرار گرفته و به غفلت دنباله‌روی و تبعیت کرده‌اند، تفکیک کرد.

مشارکت در جرم به صورت معاونت Complicite

معاونت در جرم، همانطور که بیان شد، عبارت است از تعاون در اثم و عداون که محدود به امور مقدماتی جرم باشد و منجر به مداخله در انجام عملیات تشکیل دهنده جرم نشود. پس معاون جرم عبارت از کسی است که بهیچوجه مباشرتی در ارتکاب اعمال متشکله جرم نداشته باشد و عامل فرعی آن محسوب گردد. مانند کسی که محرک ارتکاب جرم می‌شود یا وسایل ارتکاب آن را برای عاملان اصلی جرم فراهم می‌کند. بطورکلی اموری که معاون جرم در اجرای نقش فرعی خود انجام می‌دهد فی‌نفسه و بخودی خود غیرقانونی نیست و جرم محسوب نمی‌شود یعنی مجرمیتی که برای معاون حاصل می‌شود مربوط به طبع ذاتی و واقعی آن امور نیست بلکه ناشی از ارتباطی است که بین آنها و اعمال مباشر یا مباشران جرم که ذاتاً و واقعاً جرم محسوب می‌گردند، برقرار می‌شود. این امر منتج از قاعده استعاره مجرمیت معاون از مجرم اصلی است پس اگر عمل مجرم اصلی جرم نباشد عمل معاون جرم نیز وصف غیرقانونی بودن نخواهد یافت. نکته‌ای قابل ذکر است و آن این که هرچند از لوازم مصداق یافتن معاونت در جرم یکی این است که فعل قابل مجازاتی ارتکاب یافته باشد لیکن لازم نیست که مجرم اصلی حتماً محکوم و مجازات شود تا معادن وی نیز قابل تعقیب و کیفر باشد. حتی ممکن است مجرم اصلی از اشخاصی باشد که از نظر جزائی قانوناً مسوول واقع نشود و غیرقابل مجازات باشد معهداً معاون وی از نظر کیفری مسوول خواهد بود. این قاعده را ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ چنین بیان می‌کند: «در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.» نتیجه این که در مجرمیتی که

برای معاون حاصل می‌شود خود جرم ارتکاب یافته ملاک است و بس. همین موضوع سبب می‌شود که معاون جرم به سبب مشارکتش در ارتکاب جرم، مجرم تلقی گردد و عدم مسئولیت جزایی مجرم اصلی یا به اجرا در نیامدن مجازاتی که برای وی تعیین شده است، معاون را از تعقیب و کیفر معاف نمی‌کند.

مثلاً - «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسوولیت کیفری هستند و - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسوولیت کیفری است»^۷ حال اگر کسی طفل یا مجنونی را به ارتکاب جرمی تحریک کند یا آنها را به وسایل لازم برای این بزه تجهیز کند و جرم مورد نظر بوسیله آنها تحقق یابد بنا به مراتب قانونی مزبور طفل یا مجنون با وجود ارتکاب جرم از مسوولیت کیفری بری هستند و قابل تعقیب و مجازات نخواهند بود لیکن بنا به ماده ۴۴ فوق‌الاشعار این امر به حال و وضع معاون جرم یعنی محرک و تهیه‌کننده وسایل فوق‌تسری پیدا نمی‌کند و وی را از پیگرد و کیفر مصون نمی‌سازد و نیز مستنداً به عبارت دوم مزبور به عنوان مثال باید گفت که هرگاه به عللی از قبیل فوت یا شناخته نشدن عامل اصلی، تعقیب یا اجرای مجازات در باره او ممکن نباشد اینگونه اوضاع تأثیری نسبت به شخص معاون جرم ندارد و سبب توقف پیگرد و کیفر او نخواهد شد.

شرایط دیگر تحقق معاونت

طبق قانون «برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است»^۸ بنا تا علی‌هذا علاوه بر لزوم ارتکاب جرم از طرف مجرم اصلی و وجود پیوستگی و ارتباط بین معاون و جرم مورد نظر، به شرحی که فوقاً گفته شد، دو امر زیر نیز از شرایط تحقق معاونت در جرم است: ۱- وحدت قصدین بین معاون و مجرم اصلی. ۲- تقدم عمل معاون بر عمل مجرمانه مجرم اصلی یا متقارن بودن آنها از لحاظ زمان.

منظور از وحدت قصدین توافق بین معاون و مجرم اصلی در خصوص جرم ارتكابی است در غیر این صورت جرم معاونت متحقق نخواهد شد. مثلاً هرگاه شخصی تفنگ شکاری مجاز خود را برای شکار غیرمجاز در اختیار شخصی دیگر قرار دهد ولی وی از آن برای قتل ثالثی استفاده کند نمی‌توان صاحب تفنگ را به عنوان معاون این قتل مورد تعقیب قرار داد زیرا در موضوع جرم وحدت قصد بین وی و مباشر جرم وجود ندارد و توافق آنها برای شکار غیرمجاز بوده است. البته لازم نیست که معاون و عامل اصلی برای موضوع معینی با یکدیگر مواضعه و تبانی کرده باشند بلکه علم و عمد معاون جرم بر این که برای یک عمل مجرمانه

همکاری می‌کند جهت تحقق جرم معاونت کافی است و حتی چنین بنظر می‌رسد که در مواردی مشخص بودن مباشر جرم برای معاون نیز لازمه حتمی بشمار نمی‌رود و صرف اطلاع وی از موضوع جرم برای متحقق شدن معاونت کفایت می‌کند. به عنوان مثال هرگاه شخصی برای گروهی تفنگی برای ارتکاب قتل فرد معینی تهیه کند و یکی از افراد آن گروه با تفنگ مزبور قتل مورد نظر را انجام دهد تهیه‌کننده تفنگ باید معاون قتل محسوب شود هرچند که برای وی مجرم اصلی از قبل شخصاً معلوم نبوده و آلت جرم را برای استفاده شخص او تهیه نکرده است ولی همین قدر که از موضوع جرم اطلاع داشته و بر وجود قصد بر ارتکاب آن عالم بوده است و عمداً با تهیه تفنگ اقدام به همکاری کرده، عملاً وحدت قصد حاصل شده است.

لازم است که عمل معاون و همکاری او با مباشر جرم قبل از ارتکاب جرم برده، یا با آن از لحاظ زمانی متقارن باشد در غیر این صورت یعنی اگر این امر بعد از ارتکاب یافتن جرم انجام گیرد طبق مقرراتی که فوقاً ذکر شد جرم معاونت بمنصه ظهور نخواهد رسید. مانند این که نگهبانی با سارقی همدست گردد و قرار بر این باشد که وی در وقت معینی محل را برای ورود سارق مفتوح سازد لیکن سارق قبل از وقت مزبور وارد محل شده و اقدام به سرقت کند و نگهبان در وقت تعیین شده به مفتوح گذاشتن محل عمل نماید، هرچند صرف چنین توافقی خود جرم است ولی نمی‌توان نگهبان محل را به عنوان معاون جرم سرقت موصوف تحت تعقیب و مجازات قرارداد زیرا همکاری وی مقدم یا همزمان با سرقت انجام شده نبوده است.

موارد قانونی معاونت در جرم

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ اشخاص زیر را معاون جرم محسوب می‌دارد:

۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

۳- هرکس عالماً عمداً وقوع جرم را تسهیل کند.

بنابراین از لوازم تحقق جرم معاونت، انجام یکی از اموری است که به شرح فوق بیان شده است (امور دیگری نیز ضمن مقررات دیگر بیان شده، که انجام آنها نیز موجب تحقق معاونت می‌شود که به برخی از آنها در بحث‌های بعدی اشاره خواهد شد).

من باب یادآوری لازم است اضافه شود که معنای مناسب برای کلمات بکار برده شده در

ماده ۴۳ مزبور را می‌توان چنین ذکر نمود:

- تحریک (برانگیختن، اغوا کردن)، - ترغیب (خواهان کردن، راغب ساختن)، تهدید (ترسانیدن، بیم دادن)، - تطمیع (آزمند ساختن، تحریص کردن)، - دسیسه (فتنه‌انگیزی، زمینه‌سازی کردن)، - فریب (مکر، حيله، غافل کردن به خدعه)، - نیرنگ (حقه‌بازی، مکر، حيله).

تحریک

اولین امری که ماده ۴۳ انجام آن را موجب تحقق معاونت مقرر داشته، تحریک به ارتکاب جرم است. باید دانست که تفاوت مهمی بین معاونت از طریق تحریک و سایر طرق از قبیل تهیه وسایل، ارائه طریق ارتکاب، و تسهیل وقوع جرم وجود دارد و آن این است که در طرق اخیر فکر و قصد مجرمانه بدو از خود مجرم اصلی نشأت می‌گیرد و بعداً همکاری معاون جرم مطرح می‌شود ولی در تحریک قضیه برعکس است و موضوع ابتدا در ضمیر معاون جرم یعنی محرک نطفه می‌بندد و سپس در اثر اقدامات تحریک آمیز او مجرم اصلی به انجام جرم برانگیخته می‌شود و فی الواقع وقوع جرم خواست محرک است و مباشر جرم یعنی مجرم اصلی آلت دست و ابزار کار او جهت تحقق بخشیدن به آن است. بر این اساس است که در مواردی قانونگذار منطقیاً محرک را فاعل معنوی جرم تلقی کرده، مقررات کیفری و مجازات خاصی برای وی وضع کرده است که از جمله آنها به عنوان مثال می‌توان مواد ۱۰ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸ را نام برد که به موجب آنها: - هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل ولو در بعضی از نواحی گردد یا باعث نهب و غارت شود در حکم محارب است. - هرکس دیگری را با تهدید ملزم نماید که نوشته یا سندی را که سپرده به اوست به وی بدهد به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

قابل ذکر است که تحریک اصولاً قبل از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد ولی می‌تواند در جریان انجام جرم و مقارن با زمان آن نیز صورت گیرد مثل این که محرک در صحنه اختلاف و نزاعی حاضر و ناظر باشد و به تحریک و ترغیب اقدام کند. مطلب دیگر این که با امعان نظر به این امر که ماده ۴۳، به بیان فوق‌الاشعار، در معاونت از راه تهیه وسایل، ارائه طریق ارتکاب و تسهیل وقوع جرم صریحاً علم و عمد معاون جرم را شرط لازم برای تحقق آن مقرر کرده ولی در تحریک به بیان چنین قیدی نپرداخته است شاید بتوان چنین استنباط کرد که وجود مطلق سوءنیت در محرک برای تحقق معاونت از طریق تحریک، مورد نظر قانونگذار نبوده است.

تهیه وسایل

منظور از تهیه وسایل فراهم آوردن ابزار و آلات و هرنوع وسیله‌ای است که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گیرد. «وسایل» در لغت به معنای اسباب و لوازم است و ظاهراً نیز از آن اشیاء منقول به ذهن متبادر می‌شود لیکن با توجه به روح قانون می‌توان گفت که منظور آن از تهیه وسایل ارتکاب جرم فراهم آوردن هرنوع وسیله‌ای است که با استفاده و بکارگیری آن بتوان به ارتکاب جرم اقدام کرد و لذا هرگاه فی‌المثل کسی خانه خود را که غیر منقول است با علم و عمد برای محبوس کردن غیرقانونی شخصی در اختیار دیگری قرار دهد و وی به انجام این کار اقدام کند صاحب خانه معاون این جرم محسوب خواهد شد. همانطور که قانون تصریح می‌کند لازمه تحقق معاونت از طریق تهیه وسایل علم و عمدتهیه‌کننده بر این امر است که وی آنها را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند لیکن می‌توان گفت که لازم نیست که رابطه وی با مباشر جرم بی‌واسطه و مستقیم باشد مثلاً کسی که وسیله ارتکاب جرم را در اختیار مباشر قرار می‌دهد اگر آن را از شخص ثالثی به دست آورد شخص اخیر نیز هرگاه به جریان کار و قوف داشته باشد و با علم و عمد اقدام به تهیه و تسلیم آن کند معاون محسوب خواهد شد. برخی از مولفان از این موضوع به عنوان جرم معاونت در معاونت نام می‌برند و معاون معاون جرم را نیز قابل تعقیب و مجازات می‌دانند.

یادآوری این نکته ضروری است که از آنجا که معاونت محمول است بر این که جرم با وسایل تهیه شده بوسیله معاون ارتکاب یابد لذا هرگاه مجرم اصلی جرم را مرتکب شده باشد ولی در این کار از وسیله مزبور استفاده نکرده باشد تهیه‌کننده وسیله را نمی‌توان نسبت به جرم ارتکاب یافته معاون به شمار آورد. به عنوان مثال کسی تفنگی را برای قتل شخص معینی در اختیار دیگری قرار می‌دهد ولی وی در ارتکاب قتل از اسلحه سرد استفاده می‌کند، در این صورت تهیه‌کننده تفنگ را به این دلیل که از آن در ارتکاب جرم استفاده نشده است نمی‌توان معاون قتل به حساب آورد (البته همکاری او را در این جنایت نمی‌توان بالکل نادیده گرفت و وی بدون این که معاون جرم محسوب شود در حدود همکاری خود قابل تعقیب و مجازات خواهد بود).

تهیه وسایل باید مقدم یا همزمان با ارتکاب جرم صورت گیرد مثلاً اگر کسی موخر برانجام سرقتی محلی را برای پنهان کردن اموال مسروقه در اختیار سارق بگذارد این همکاری مجرمانه وی عنوان معاونت در سرقت نخواهد داشت.

ارائه طریق

ارائه طریق در لغت به معنای دلالت و راهنمایی کردن است و لازمه تحقق معاونت از این طریق این است که ارائه کننده آن، همانطور که ماده ۴۳ تصریح می‌کند، بر قصد مباشر جرم علم داشته باشد. این امر همان وحدت قصدین است که همانند معاونت از طریق تهیه وسایل وجود آن بین معاون و مباشر جرم قانوناً جهت تحقق معاونت ضروری است. بعلاوه لازم است که ارائه طریق مقدم یا متقارن با زمان ارتکاب فعل مجرمانه صورت گیرد برای ذکر مثال درباره ارائه طریق بر ارتکاب جرم، می‌توان موردی را که ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸ بیان می‌کند، نقل کرد که به موجب آن: هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می‌گردد بنماید به سه‌الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد و نیز مورد ماده ۹۱ قانون مزبور که طبق آن اگر طیب یا قابله‌ای زن حامله را که برای اسقاط جنین به وی مراجعه کرده است به وسایل اسقاط راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود بعنوان مثالی دیگر در این زمینه قابل ذکر است.

تسهیل وقوع جرم

آخرین موردی که ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ برای تحقق معاونت در جرم بیان می‌کند عبارت از این است که هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند معاون جرم محسوب می‌شود.

در این طریق مانند دو طریق اخیر الذکر، جرم معاونت وقتی تحقق پیدا می‌کند که تسهیل وقوع از طرف معاون پس از علم او به منظور مجرمانه مباشر، عمداً صورت گیرد و نیز مانند موارد مزبور لازم است که بین عمل معاون دایر بر اقدام به تسهیل و عمل مباشر دایر بر مبادرت به ارتکاب جرم تقدم یا اقران زمانی موجود باشد مانند این که همدست سارق با ایجاد نزاع و جار و جنجال فرصت ورود وی را به محل مورد نظر فراهم سازد یا در حین انجام سرقت در خارج از محل کمین کند و رفت و آمد افراد یا آمدن پلیس گشت را مواظب باشد و نیز شاید بتوان موضوع حکم شماره ۲۶۷۱ مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱ شعبه دوم دیوانعالی کشور را که می‌گوید: - اگر کسی با علم و اطلاع برای تاجر ورشکسته قرض کند و تامدتی مانع ظهور ورشکستگی او گردد عمل وی معاونت تلقی می‌شود از نوع معاونت از طریق تسهیل وقوع جرم بشمار آورد.

نظامهای مختلف راجع به مجازات معاون جرم

در باره مجازات معاون جرم نظامهای مختلفی وجود دارد که عبارتند از: - نظام استعاره مطلق - نظام استعاره نسبی - نظامی که معاونت را از کیفیات مشدده محسوب می‌کند نظامی که معاونت را جرمی مستقل تلقی می‌کند.

در نظام استعاره، همانطور که قبلاً اشاره شد، گفته می‌شود چون بطور کلی اعمالی که معاون جرم انجام می‌دهد ذاتاً دارای خصیصه مجرمانه نیست و اطلاق جرم بر آنها ناشی از ارتباطی است که بین آنها و فعل مجرمانه مجرم اصلی برقرار می‌گردد لذا فی الواقع معاون جرم مجرمیت را از مجرم اصلی به عاریت می‌گیرد و از او کسب می‌کند. النهایه نظام استعاره مطلق از نظر مجازات بین مجرم اصلی و معاون او تفاوتی قابل نیست و بر معاون جرم همان مجازات مجرم اصلی را تحمیل می‌کند و می‌گوید که مجازات معاون جرم همان مجازات مجرم اصلی است. ولی نظام استعاره نسبی قایل به خفیف‌تر بودن میزان مجازات معاون جرم از میزان مجازات مجرم اصلی است. در مَرخِج و عادلانه‌تر بودن نظام استعاره نسبی نسبت به نظام استعاره مطلق چنین می‌گویند که آن نظام نقش فرعی معاون را در تحقق جرم رعایت و مجازات او را کمتر از مجازات مباشر جرم که نقش اصلی را برعهده دارد تعیین می‌کند.

نظام معاونت به عنوان کیفیات مشدده، قایل به تشدید مجازات از جمله مجازات معاونان جرم است و چنین استدلال می‌کند که چون مشارکت و همکاری افراد در ارتکاب جرم فعالیت مجرمانه را تسهیل و امکان به ثمر رسیدن آن را بیشتر می‌کند و در نتیجه خطر زیاده‌تری را متوجه امنیت و نظم جامعه می‌نماید لذا برای معارضه با این امر لازم است که مجازات شدیدتری اعمال گردد.

نظامی که معاونت را جرمی مستقل تلقی می‌کند با نظامهای فوق‌الاشعار دارای این تفاوت است که در آن اصولاً به تشخیص مجرم اصلی از معاونان جرم اقدام نمی‌شود و با این استدلال که هرگاه عده‌ای در ارتکاب جرمی مشارکت داشته باشند به تعداد آنها جرائم مستقل حادث می‌شود وضع هریک از شرکت‌کنندگان اعم از اصلی و معاون به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و به هرکدام مستقلاً مجازات تعیین می‌گردد. طرفداران این نظام می‌گویند که اعمال نظام استعاره‌ای در مواردی نتایج غیرمنطقی به بار می‌آورد مانند موردی که شخص دیگری را به ارتکاب جرمی تحریک کند یا وسایل ارتکاب آن را تهیه نماید ولی شخص مزبور جرم مزبور را مرتکب نشود و در این حال چون جرمی وقوع نیافته است محرک یا تهیه‌کننده وسایل قابل تعقیب نخواهد بود و از مجازات مصون خواهد ماند و حال آن که فی الواقع افراد اخیر در حدود اقداماتی که انجام داده‌اند قابل مجازات می‌باشند.

قانون مجازات اسلامی و مجازات معاون جرم

مقررات قوانین کیفری اسلامی را در خصوص مجازات معاونان جرم می‌توان به شرح

زیر در سه قسمت خلاصه کرد:

الف - قسمت اول ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸، قبل از تعیین اشخاص و امور مربوط به معاونت در جرم، در تعیین مجازات معاون جرم چنین مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات جرم و تأدیب از وعظ و تهدید^{۱۰} و درجات تعزیز، تعزیر می‌شوند». اگر چه مقررات مزبور برای معاون جرم مستقلاً تعیین مجازات می‌کند ولی بنا به تبصره یک همین ماده که مقرر می‌دارد - «برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصدین و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است». و با توجه به مفاد ماده ۴۴ قانون مزبور که تصریح می‌کند «در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب او و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت». می‌توان نتیجه گرفت که در ارتباط با عمل مجرمانه مجرم اصلی است که اقدامات انجام شده بوسیله معاون جرم صفت مجرمیت پیدا می‌کند و نیز می‌توان گفت که بطور کلی قانون مجازات اسلامی در تعیین مجازات معاونان جرم با نظام استعاره نسبی موافق تر است.

ب - به موجب تبصره دو ماده ۴۳ فوق‌الاشعار «در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد همان مجازات اجرا خواهد شد».

برای مواردی که در قانون برای معاون جرم مجازات خاص تعیین شده است می‌توان به همین قانون مجازات اسلامی (مصوب ۷۰/۵/۸) مراجعه کرد. از جمله آنهاست قسمت اخیر ماده ۱۷۵ که طبق آن هرکس در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ و سایل استفاده از مشروبات الکلی را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسکرات محسوب می‌گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و مواد ۲۰۷ و ۲۶۹ که برای معاون جرم در جرائم قصاص (قتل و قطع عضو و جرح عمد) و تبصره دو ماده ۲۰۱ که به معاونت در سرقت حدی و تبصره ماده ۲۰۳ که به معاونت در سرقت تعزیری مجازات خاص تعیین می‌کند.

برای مواردی که در شرع برای معاون جرم مجازات خاص مقرر گردیده است می‌توان مجازات «طلیع» و «ردء» را مثال آورد که معاونان جرم محارب به شمار آمده‌اند و شرعاً برای آنها مجازات ویژه‌ای تعیین شده است: «طلیع کسی است که مسیر و گذرگاهها را زیر نظر گیرد و اطلاعات مربوط به رفت و آمدها را در اختیار «محارب» قرار دهد. ردء کسی است که ضابط و نگهبان اموال محارب باشد و هر دو معاون محارب محسوب می‌شوند. محارب کسی است که

برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد و سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم زند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است. طلیع و رده مسلح نیستند و قصد اخافه ندارند ولی عملی که انجام می دهند حرام و مشمول نص «لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» می باشد، فقهاء گفته اند «فانما یعزّر و یحبس و لا محارباً»^{۱۱}: - پس تعزیر و حبس می شوند ولی محارب نیستند.

ج - در مواردی، اعمالی که ارتکاب آنها موجب تحقق جرم معاونت می شود جرم خاصی محسوب گشته و برای آنها مجازات خاصی مقرر شده است که از جمله آنها می توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

- هرگاه محرز شود که شخصی با انگیزه و به قصد معناد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مخدر شده است برای بار اول به پنج سال تا ده سال حبس و برای بار دوم به ده سال تا بیست سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد.^{۱۲}

- هرکس عده ای از نظامیان یا غیرنظامیانی را که در خدمت نیروهای مسلح هستند و خدمات نظامی به آنان واگذار شده است تحریک به عصیان یا عدم اجرای وظایف نظامی کند هرگاه مؤثر واقع شود به حبس از سه سال تا پانزده سال و در صورتی که موثر واقع نشود به حبس از دو سال تا ده سال محکوم می شود.^{۱۳}

- در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا باز دارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود.^{۱۴}

- اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست. بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می گردند. - اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است. - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است.^{۱۵}

در خاتمه این بحث اضافه می شود که «قوادی» را می توان به عنوان یکی از خاص ترین موضوع در این زمینه عنوان کرد زیرا در جرم مزبور که عبارت است از «جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا و لواط»^{۱۶}، در واقع فاعل عالمأ و عامدأ به تسهیل وقوع جرم اقدام می کند که یکی از طرق مبادرت به معاونت است لیکن به علت اهمیتی که جرم مزبور دارد یکی از جرایم حدی محسوب شده است. و مجازات آن برای مرد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یکسال و برای زن ۷۵ تازیانه مقرر می باشد.^{۱۷}

تأثیر کیفیات مُشَدَّده و مُخَفَّفه

هرگاه در اثر وجود کیفیات مُشَدَّده مجازات مجرم اصلی تشدید شود یا وجود کیفیات مخففه موجب تخفیف مجازات وی گردد این تشدید یا تخفیف در حق معاون جرم تأثیر می‌گذارد و موجب تشدید یا تخفیف مجازات او می‌شود یا خیر؟ - همانطور که ملاحظه شد ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸، در باره معاون جرم مستقلاً و بدون ارتباط دادن به مجازات مجرم اصلی، به تعیین مجازات پرداخته و مقرر کرده است که برای معاون جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب، مجازات تعیین گردد بنابراین شاید ظاهراً بتوان گفت که پاسخ سؤال فوق منفی است و کیفیات مُشَدَّده یا مخففه مربوط به مجرم اصلی مستقیماً در حق معاون جرم تأثیر نخواهد داشت. مع‌هذا نص قانونی وجود دارد که در آن صریحاً وضع مجرم اصلی در میزان مجازات معاون جرم تأثیر داده شده است. بدین شرح که ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی فوق‌الذکر مقرر می‌کند که «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه‌سال تا پانزده سال حبس محکوم می‌شود» و بلافاصله ماده ۲۰۸ و تبصره آن می‌گوید «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از سه سال تا ده سال خواهد بود - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک سال تا پنج سال می‌باشد» و مشاهده می‌شود که علت مخففه موجود یعنی نبودن شاکی یا گذشت شاکی از قصاص که موجب تخفیف و تبدیل و تقلیل مجازات مجرم اصلی شده است در میزان مجازات معاون جرم نیز تأثیر می‌گذارد و مجازات از ۳ تا ۱۵ سال حبس را به یک تا پنج سال حبس تقلیل می‌دهد.

ولی در هر حال باید گفت که کیفیات مُشَدَّده یا مخففه‌ای که مربوط به وضع و حال خود معاون جرم باشد در حال وی موثر خواهد بود مثلاً کیفیت مُشَدَّده ناشی از تکرار جرم مقرر در ماده ۴۸ قانون مزبور که طبق آن هرکس پس از اجرای حکم محکومیت‌های مجازات تعزیری یا بازدارنده مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر شود دادگاه می‌تواند مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده را تشدید کند یا کیفیات مخففه مقرر در ماده ۲۵ همان قانون از قبیل اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم موثر باشد یا اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم شود، می‌تواند موجب تشدید یا تخفیف مجازات معاون جرم گردد.

اخفاء

«اخفاء» عبارت است از پنهان کردن اشیاء یا اشخاص که به منظور مساعدت به مجرم یا برای همکاری با وی صورت می‌گیرد. اخفاء از مصادیق تعاون در اثم و عدوان است و معمولاً بعد از ارتکاب جرم انجام می‌یابد ولی ممکن است همزمان با جریان آن نیز صورت گیرد مانند اخفاء جاسوسان. اخفاء را جرمی مستقل محسوب و برای آن مجازاتی خاص تعیین کرده‌اند. موضوع اخفاء ممکن است اشیاء باشد مانند اخفاء اموال مسروقه یا اخفاء اموال حاصل از سایر جرائم نسبت به اموال از قبیل کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا اخفاء اموال مربوط به ورشکستگی و اخفاء ادله و مدارک جرم و نیز ممکن است به اخفاء اشخاص اقدام شود مانند اخفاء متهمان، مجرمان، فراریان، جاسوسان و اخفای افراد دشمن.

لازمه تحقق جرم اخفاء این است که مخفی‌کننده با وجود علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور، به آن اقدام کند. وجود اجبار و اکراه موثر، می‌تواند موجب تخفیف مجازات مخفی‌کننده یا معافیت او از مجازات شود. اینک در این زمینه به عنوان مثال به ذکر چند نمونه مبادرت می‌شود:

اخفاء اموال و اشیاء

- هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به این که شی در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده آن را مخفی نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.^{۱۸}
- هرکس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار ملی و تاریخی را با علم به این که از موزه‌ها و نمایشگاهها یا اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت و نظارت دولت است سرقت شده، پنهان دارد به یک سال تا پنج سال زندان محکوم می‌شود.^{۱۹}
- هرکس با قصد به محو یا اخفاء ادله جرم مواد مخدر اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال حبس و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می‌گردد.^{۲۰}
- هرکس به قصد باخفاء یا امحاء آثار و مدارک جرم مربوط به ذیحقی اقدام کند به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود. - هرکس از وقوع جرمی مطلع شود. و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت، ادله جرم را مخفی نماید به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد هرگاه جرم مستلزم اعدام یا حبس دائم باشد جزای مرتکب از شش ماه تا یکسال حبس خواهد بود.^{۲۱}

اخفاء اشخاص

- هرکس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند نسبت به میزان مجازات شخص فراری یا متهم به یک ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.^{۲۲}

- هرکس در حال جنگ به قصد کمک به دشمن جاسوسان یا سربازان خصم را که مامور تفتیش بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنان بشود، محارب است. و در صورتی که جاسوس اجنبی را شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای او شود ولی در زمان جنگ یا به قصد کمک به دشمن نباشد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.^{۲۳}

هرکس متهم مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر را که تحت تعقیب است پناه یا فرار دهد یا در پناه دادن یا فرار او همکاری کند به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن را پناه یا فرار داده است محکوم می‌شود.^{۲۴}

یادداشتها

- ۱- رجوع شود به مواد ۲، ۹، ۱۲، و ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸.
- ۲- ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۶۲/۵/۱۸.
- ۳- ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۶۷/۹/۱۵. توضیح این که هرگاه جرائم مزبور بوسیله یک فرد ارتکاب یابد مشمول مجازات کمتری خواهد شد. برای اطلاع در این مورد رجوع شود به مواد ۱ تا ۳ و ۵ و ۶ همان قانون.
- ۴- ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸.
- ۵- رجوع شود به ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸. - برای اطلاع از محارب و مفسد فی الارض رجوع شود به باب هفتم (مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶) همان قانون.
- ۶- گارو Garraut در این مورد می‌گوید: معاونت در جرم در حقیقت زمانی تحقق یافته و مشمول مقررات جزائی قرار می‌گیرد که عبارت باشد از شرکت و همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با علم و اطلاع در فعل مجرمانه‌ای که توسط دیگری شروع یا انجام شود (رجوع شود به کتاب: *Traite Theorique et pratique De Droit Penal Francaise, tome 3, 1929, Paris, P.43*).

۷- رجوع شود به مواد ۴۹ و ۵۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ - برای اطلاع بیشتر اضافه می‌شود که به موجب تبصره مواد مذکور منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و، کسی که در حال ارتکاب جرم دچار جنون بوده در صورتی که تأدیب موثر باشد به حکم دادگاه تأدیب می‌شود.

۸- تبصره یک ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸

۹- برای مثال می‌توان قسمت اخیر ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی سابق ایران را ذکر کرد که چنین بیان می‌کرد: «مجازات معاونت در جنحه و جنایت مجازات مباشر در ارتکاب آن است ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات را تخفیف دهد».

۱۰- «تهدید» به معنای ترسانیدن و بیم دادن است ولی عرفاً از آن اجبار ناروا نیز مستفاد می‌گردد لذا بنظر می‌رسد که اگر در این متن از کلمه «تخویف» که به همان معناست استفاده می‌شد وجهی‌تر و وافی به مقصود می‌توانست باشد.

۱۱- تحریر الاحکام، علامه حلی، صفحه ۲۳۳- در باره تعریف و مقررات راجع به محارب، رجوع شود به باب هفتم (مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶) قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ و برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، محمد جعفر حبیب‌زاده، زمستان ۱۳۷۰، صفحه ۱۴۹ تا ۱۵۱.

۱۲- رجوع شود به ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۶۷/۸/۳.

۱۳- رجوع شود به ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب، مصوب ۵۸/۴/۱۳.

۱۴- رجوع شود به ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸.

۱۵- ماده ۲۱۱ همان قانون و تبصره‌های یک و دو آن.

۱۶- رجوع شود به ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸.

۱۷- رجوع شود به ماده ۱۳۸ همان قانون.

۱۸- رجوع شود به ماده ۱۱۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۶۲/۵/۱۸.

۱۹- رجوع شود، به ماده ۴۷ همان قانون.

۲۰- ماده ۲۳ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۶۷/۸/۳.

۲۱- مواد ۸۹ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸.

۲۲- رجوع شود به ماده ۴۲ همان قانون.

۲۳- ماده ۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸.

۲۴- ماده ۲۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۶۷/۸/۳.

منابع و ماخذ

- در تهیه این مقال منابع و ماخذ زیر مورد استفاده یا مراجعه قرار گرفته است:
- قرآن مجید.
- المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه فارسی، جلد ۵.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸.
- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۶۲/۵/۱۸.
- قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۶۷/۸/۳.
- قانون مدنی.
- لایحه تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب، مصوب ۵۸/۴/۱۳.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۶۷/۹/۱۵.
- کتاب حقوق جنائی، دکتر عبدالحسین علی آبادی، جلد اول، چاپ چهارم، ۱۳۴۷.
- کتاب تحریک در ارتکاب جرم، دکتر لطیف زاهدی.
- کتاب بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، محمد جعفر حبیب زاده، زمستان ۱۳۷۰.
- فرهنگ حقوق، فرانسه - فارسی، حسینقلی کاتبی.
- لغت نامه دهخدا.
- فرهنگ معین.
- مجموعه آراء جزائی وحدت رویه دیوانعالی کشور. *مطالعات فقهی*



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی